

گفتگوی اختصاصی با «راشد انصاری»، چهره‌ی ماندگار و نام‌آشنای شعر و طنز استان و کشور؛

نویسنده‌ی شغل اصلی من است



عهدیه صولت برد

چند آثار مکتوب دارید و موضوع کتاب‌هایتان چیست؟

بیست و سه جلد کتاب از بنده به چاپ رسیده است. عمده فعالیت این جانب طنز است و البته تعدادی کتاب تحقیقی و به صورت گردآوری آثار نیز منتشر کرده‌ام که آن‌ها نیز طنز هستند.

تا چه اندازه در کارتان موفق بوده‌اید و پیشرفت داشته‌اید؟

موفقیت که باید دیگران بگویند، خودم راضی هستم، ضمن این که چون به صورت حرفه‌ای می‌نویسم نوشتن و مطالعه‌ی دائمی جزو لاینفک زندگی من شده ولی در مورد پیشرفت منتقدان باید نظر بدهند که آیا پیشرفت حاصل شده یا خیر.

اولین کتاب چاپی و منتشر شده شما کدام است؟ یا چه موضوعاتی و در چه سالی به چاپ رسیده است؟

اولین کتاب بنده «دغدغه‌های بی‌خیالی» شعر طنز اجتماعی و تا حدودی سیاسی است که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است.

جدیدترین کتابی که منتشر کردید چه نام دارد و موضوع آن چیست؟

جدیدترین کتاب بنده طنز جهانی است با ۷۵۰ صفحه که توسط نشر شانی منتشر شده است. این کتاب جلد دوم طنز جهان است که حاصل بیست و پنج سال مطالعه و تحقیق بنده در ادبیات جهان می‌باشد و به جرأت می‌گویم این کتاب در نوع خود بی‌نظیر است.

از بیشتر کشورها در همه‌ی قاره‌ها طنز گردآوری کرده‌ام و جالب است که اگر این کتاب در کشورهای دیگر به عنوان مثال بلغارستان،

ضمن معرفی خودتان بفرمایید از چه زمانی فعالیت رسمی خود را در زمینه‌ی نویسندگی آغاز کردید؟

راشد انصاری هستم، از اوایل دهه‌ی هفتاد فعالیت خود را با مطبوعات کشوری و سپس استانی شروع کردم.

چه چیزی انگیزه شما برای ورود به دنیای هنر شد؟ مشوقین شما چه کسانی بودند؟

عشق به قلم، به مردم، مطالعه، آگاهی و دانستن، بهترین محرک و انگیزه است، مشوق اصلی ام در این راه خودم و بعد اهدافی بودند، که داشتم. در ضمن هیچ‌کس برای نوشتن تشویق نکرد.

آیا شما در شاخه‌های دیگر هنر هم فعالیت دارید؟

به جز شعر و داستان و در کل نویسندگی در هیچ زمینه دیگری فعالیت ندارم البته می‌توان گفت به عنوان یک روزنامه‌نگار نویسندگی شغل اصلی من است.

شما در چه قالب‌هایی شعر می‌سرایید؟

بنده در همه‌ی قالب‌ها شعر طنز گفته‌ام غزل، رباعی، دوبیتی، تا شعر نیمایی و سپید و فرانو.

احمد مدنی/روانشناس

مشارکت یعنی به کارگیری توانمندی

نیروهای مردمی در جهت رسیدن به یک هدف کلی که با آگاهی همراه است.

وقتی افراد در یک جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت نموده و داوطلبانه برای رفع و رجوع امورات و نیازهای یکدیگر اقدام کنند؛ ماحصل مشارکت حل و فصل امور، رشد و تغییرات موثری است که باعث ارتقا سطح سلامت روان جامعه می‌گردد.

مشارکت می‌تواند خودجوش و یا برنامه ریزی شده باشد. وقتی به زلزله دی ماه ۹۲ بستک باز می‌گردیم، این مشارکت را به تمام معنا می‌بینیم. جای جای آن شهر پس از زلزله نمود مشارکت بود. نماد احساس مسئولیت و نوع دوستی. جوانانی که به کمک دیگر نیروهای امدادی آمده و سعی در باز نمودن گره‌های به وجود آمده داشتند. مردمی که از اطراف مایحتاج زندگی آسیب‌دیدگان را

ترکیه و یا دیگر کشورها که فستیوال‌های مهم طنز برگزار می‌شود منتشر شده بود مانند توب صدا می‌کرد. اما در کشور ما و استان ما حتی یک مراسم رونمایی هم از طرف اداره ارشاد برگزار نشد و... .

تاکنون چه افتخاراتی در رشته خودتان کسب کرده‌اید؟

بیش از سی بار در جشنواره‌های منطقه‌ای، کشوری و بین‌المللی حائز رتبه‌های برتر شده‌ام و در حوزه‌ی خودم در کشور بی‌رقیبم. البته اگر چشم نخورم!

در سال ۱۳۸۶ از طرف فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مفاخر فرهنگ و هنر از شما تجلیل شد چه احساسی دارید؟

همان احساسی که سال ۱۳۹۹ به عنوان چهره‌ی ماندگار استان تجلیل شدم! در هر دو مورد راضی نبودم و با اصرار زیاد برگزارکنندگان این کار انجام گرفت.

از وضعیت فرهنگی استان راضی هستید؟ برای بهتر شدن وضعیت فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

خیر. نه تنها از وضعیت فرهنگی استان که از وضعیت فرهنگ و هنر و ادب کشور نیز راضی نیستم و پیشنهادم این است که دوستانی که اهل فن و کار نیستند تشریف ببرند و جای خود را به کسانی بدهند که هم اهل فن و هم اهل کار هستند.

در تمام سال‌هایی که مشغول نوشتن هستید آیا وقفه‌ای هم در کارتان داشته‌اید؟

در مدت بیش از سی سال هیچ وقفه‌ای در کارم نداشته‌ام، هر روز نوشته‌ام و حتی یک هفته هم به یاد ندارم که اثری از بنده در



داشتند و با کاستن از مترآز زمین خود به عریض نمودن کوچه‌ها و بازرگشایی معبر کمک کردند و قس علی هذا... حال نیاز امروز ما در آبادانی، نگهداشت و حرکت رو به جلو همین مشارکت مردم می‌باشد.

شرکت گروه‌ها در مواقع بحران وضعیت خاص خودش را دارد و احساس مردم متفاوت؛ اما مواقعی که ما احساس بحران نمی‌کنیم، به معنی عدم نیاز به مشارکت نیست. چه آنکه این مقوله همیشه راهگشای جوامع می‌باشد و لزوم توجه به گروه‌ها و فعالان اجتماعی

مطبوعات منتشر نشده باشد.

به نظر شما شهرت در هنر مهم‌تر است یا پیشرفت؟

به نظر من هر دو خوب است، اما پیشرفت ضامن موفقیت است کما اینکه شهرتی که از پیشرفت حاصل شود ماندگار است اما در شهرت باید مراقب بود گاهی شهرت‌های کاذب مانع پیشرفت و ترقی می‌شود و فرد به گمان اینکه به اندازه‌ی کافی مشهور شده دست از تلاش برای پیشرفت در اهدافش خواهد کشید.

شما چند نام مستعار دارید؟ تعدادی از نام‌های مستعارتان را بفرمایید؟

حدود ده، دوازده نام مستعار دارم مانند ادیب بندری، خالوارشد، فیل عینکی، بچه دیده بان، کوسه‌ی جنوب و... .

لطفاً یک کتاب طنز خارجی و یک کتاب طنز ایرانی که واجب است یک طنزپرداز مطالعه کند، معرفی بفرمایید؟

دن کیشوت؛ اثر سروانتس و دایی جان ناپلئون از مرحوم؛ ایرج یزیشکار

به عنوان یک هنرمند و یک شاعر و نویسنده‌ی معروف و موفق چه پیشنهادی برای جوانان و کسانی که بخواهند وارد این عرصه شوند دارید؟

در حوزه‌ی بسیار دشوار و طاقت فرسای طنز، توصیه من به جوانان و کسانی که دوست دارند طنزنویس باشند این است که یک آن از مطالعه کردن غافل نشوند و تا می‌توانند آثار طنزپردازان ایران و جهان را مطالعه کنند. البته مطالعه برای عموم مردم در هر زمینه‌ای که علاقه دارند ضروری است و هیچ موفقیتی بدون تلاش به دست نمی‌آید.

را صدچندان می‌نماید. کسی که درختی می‌نشانند، کسی که سخن خیر بر زبان دارد و کسی که سکویی در گوشه‌ای از معدان یا کانون و جای جای این شهر می‌سازد و کسی که برکه‌های شهر را تعمیر و پاکسازی می‌کند و کسی که با قلم خود نگاه‌ها را سمت توجه به ابنیه تاریخی این شهر معطوف می‌کند. همراهی با آنان را در کنار دلگرمی به آنان فراموش نکنیم تا شاهد رشد شهر باشیم.

کوتاه سخن اینکه در این نوشته مجالی برای یادآوری آنچه که در دی ماه ۹۲ گذشت نیست. شهری که طاق‌ها و سردیس‌های با معماری دلفریبش را از دست داده بود، شهری که خانه‌های خشت‌گلی با نقوش معماران بنامش را آوار شده می‌دید، چهره‌اش اکنون دگرگون شده و اینگونه که می‌بینید خاک زلزله بر تاریخش رخ‌نمایی می‌کند. آنچه که از دی ماه سال ۱۳۹۲ در شهرمان هر باره تداعی می‌شود درس مشارکتی است که در خاطرمان مرور می‌کنیم.

یادداشت

بافت قدیم شهری اکنون ناکارآمد شده است

جلال جوکار



ایجاد بافت قدیمی شهرها مرهون فرهنگ یکجانشینی و سکونت متفاوت خانواده‌ها در زمان‌های دورتر است که ترجیح آن‌ها همسایگی نزدیک‌تر در کمترین فاصله با معماری نامنظم در یک محله بوده است. به لطف نگاه و فرهنگ فوق، ساخت‌وساز اماکن مسکونی در محدوده‌های کوچک با تراکم جمعیت زیاد صورت گرفته است که تفاوت معناداری با معماری نوین دارد.

به باور پیشینیان یکجانشینی در تراکم کم با جمعیت انبوه، دلیل امنیتی نیز داشته است؛ توضیح آنکه بدلیل عدم وجود یا تکامل حاکمیت به عنوان نهاد متولی امنیت، یکجانشینی بر تراکم، راهی ابتدایی در مقابله با هجوم و تعرض متجاوزین و بیگانگان قلمداد می‌شده است. با گذری در این بافت‌ها می‌توان به دیوارهای حیاطی مشترک، کوچه‌های کم عرض و برپیچ و خم، تجمع اتاق و ساختمان‌ها در یک مقیاس کوچک - که احتمال برای کاهش هزینه‌های دیوارکشی شکل گرفته است - عدم آگاهی بر موضوع استحکام ساختمان‌ها، عدم توجه ساکنان بر اهمیت موضوع بازنگهداری و عریض نگه‌داشتن معبرها و... نوع ساخت و ساز آن ایام را به این سمت کشانده است. اکنون با گسترش شهرنشینی و استقبال نسل جدید از سکونت در محلاتی با مبلمان، سیما و منظر شهری مناسب و دارای قابلیت ارائه خدمات اولیه مثل آب، برق، گاز، تلفن و... به تدریج معماری قدیمی از بین رفته و شهرها با چالشی بنام بافت فرسوده و ناکارآمد مواجه شده‌اند. شهر بستک علی‌رغم قدمت در تأسیس شهرداری آن که به سال ۱۳۳۲ بر می‌گردد، دارای محله‌های زیادی از بافت فرسوده و ناکارآمد می‌باشد که به مرور شاهد گسترش احداث ساختمان‌هایی بدون مجوز و دور از نظارت و اصول مهندسی بوده است. در کنار این چالش معضل دیگری در شهر بستک وجود داشته است و آن گسترش بی رویه محدوده شهری نسبت به جمعیت و توان خدماتی آن است. شهرداری بستک در همین جهت با اقداماتی که اخیراً داشته در رفع معضلات بافت فرسوده و ناکارآمد در استان پیش‌گام و برتر بوده است. بافت‌های ناکارآمد شهری به دلیل وجود ساختمان‌های فرسوده، بناهای متروکه، زمین‌های بایر و کوچه‌های تنگ، بدور از مبلمان و سیمای زیبای شهری و محدودیت در توسعه فضاهای پارکی و زیرساختی و خدماتی، محدودیت در تردد خودروهای خدماتی و اورژانسی گریبان بسیاری از شهرها را رفته اند. از همین رو به مانند آتشفشانی خاموش هر لحظه مستعد بحران‌زایی بوده و اهتمام جدی دولت به اصلاح و حذف بافت فرسوده شهری را به دنبال داشته است.

وجود این بناها که غالباً سکونتگاه افرادی با توان مالی و دهک پایین جامعه است، به مرور زمان با افزایش بنا در منزل خود - جهت سکونت فرزندان که متاهل و مستقل شده اند - موجبات افزایش جمعیت ساکن این محدوده را فراهم نموده است و این خود زنگ خطری است که در مواقع زلزله و سیل عواقب جبران‌ناپذیری در انتظار این محدوده‌ها است. خوشبختانه دولت با سیاست‌های تشویقی از قبیل اعطای تسهیلات ساخت مسکن سعی در حذف موانع مالی ساکنان این بافت‌ها دارد و با پرداخت وام و تأمین نقدینگی در تلاش است ساکنان بافت ناکارآمد را با برخورداری از تسهیلات بانکی و مشوق‌های تخفیفی گسترده که از سوی شهرداری در صدور عوارض، سطح زیر بنا، تخریب و جمع‌آوری نخاله‌های ساختمانی و... قابل لحاظ می‌باشد، این مهم را فراهم نماید. انتظار می‌رود با حذف بافت‌های فرسوده، محلات مرکز و حاشیه شهر با ساختمان‌های مقاوم جایگزین شده و معایری قابل تردد و مقاوم در برابر بحران‌های سیل و زلزله شکل بگیرد و از ورود خسارت‌های مالی و جانی ساکنین نیز جلوگیری شود.

شاه‌بیت

مرغ خوش الحان

عهدیه صولت برد



غرق شعرت می‌کنم امروز هم
با نوازش هامیم از آن دورها
این همه احساس باد ارزانیت
ای فراتر از همه منشورها
زندگی آیینه چشمان توست
من در این آیینه دنیا دیده‌ام
هر چه از خوبان عالم گفته‌اند
در وجود دوست یکجا دیده‌ام

بر تنش پیچیده‌ام از دل غزل
دانگ دانگ جان به نامش کرده‌ام
تا نگردد خاطرش لبریز غم
می‌در آن مینا و جامش کرده‌ام
مرغ خوش الحان بی جان در قفس
همچنان از عاشقی می‌خواندو
از حصار تنگ آزادش کنید
قدر آزادی خود می‌داند او

جدول ۵

طراح: موسی صادقی از روستای مردون

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

افقی

عمودی

- جمع واحد پول امارات * از خیرات (ذبح حیوان)
- از روستاهای شهرستان بستک
- ناخن (محل) * یکدیگر را شناختن * انس گرفتن
- نوعی ساز * زمین پهناور و هموار * زندان
- یک بار * نوعی ورزش پرتابی
- پشت سر هم * وظیفه شرعی
- میخک درهم ریخته * خرومش معروف است!
- نوعی عرق (محل) * قطعه قطعه * پاره ای از چیزی
- گیاهی که در گندمزار می‌روید * از مذاهب اهل سنت * ضمیر لاتین
- نوعی بازی محلی
- جایگاه بت * نوعی زیرپوش

- نوعی سکو (محل) * نوشته شده
- کنایه از نهایت تلخی هر چیز (محل)
- خاندان * کلیه و قلوب (محل) * رانند
- داغ لاتین * نوعی مشک (محل) * خوشحال
- زمان مقرر * از قطعات پنجگانه زمین
- نمی پسرانه * شهری در کرمان
- معاشرت کردن * درک و آگاهی
- وسیله ای مخروطی شکل * یکی از حروف * استکان محلی برعکس
- آب منجمد * جمع حاجت * یازده
- خبرچینی (محل)
- لقاب سوخته (محل) * لفظی همراه با گرفتن سلفی!